

بسم الله الرحمن الرحيم

موضوع: ارث فدک- ادامه بررسی روایت و اشکال ابن کثیر

جلسه پنجاهم 99/10/23

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين
الحمد لله والصلاة على محمد رسول الله وعلى آله آل الله لاسيما على مولانا بقیة الله واللعن
الدائم على اعدائهم اعداء الله إلى يوم لقاء الله.

پرسش:

حضرت زهرا نقل می‌کرد که پدرم رسول خدا به من فرمود:

«يَا فَاطِمَةُ مَنْ صَلَّى عَلَيَّ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ وَ أَلْحَقَهُ بِِي حَيْثُ كُنْتُ مِنَ الْجَنَّةِ»؛ منظور از «صلى عليك» چیست؟

پاسخ:

همان صلوات فرستادن یا سلام دادن است. «صلى الله على فاطمة وابيها»؛ سلام و صلوات، هر دو یک چیز است؛ ولی صلوات بر شخص حضرت فاطمه زهرا (سلام الله عليها) موضوعیت دارد:

«اللهم صلّ على فاطمة الزهراء، اللهم صلّ على فاطمة الزهراء»

ما هفته فاطمیه را باید طوری برگزار کنیم که به تعبیر «مقام معظم رهبری» مثل عاشوراء باشد؛ چون بحث فاطمیه هر چه عمیق‌تر و گسترده‌تر باشد باعث بیداری خیلی از جوان‌های اهل سنت می‌شود؛ خیلی از علمای اهل سنت در صد سال اخیر به خاطر قضیه حضرت زهرا (سلام الله عليها) به مذهب شیعه مشرف شده اند؛ چون این مسئله سطحی و شوخی بردار نیست. از طرفی پیغمبر می‌فرمود:

«فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي فَمَنْ أَعْصَبَهَا أَعْصَبَنِي»

الجامع الصحيح المختصر؛ اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي الوفاة:
256، دار النشر: دار ابن كثير ، اليمامة - بيروت - 1407 - 1987، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د.
مصطفى ديب البغا، ج 3، ص 359، ح 3510

:9

«فَغَضِبَتْ فَاطِمَةُ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَهَجَرَتْ أَبَا بَكْرٍ فَلَمْ تَزَلْ مُهَاجِرَتَهُ حَتَّى تُوفِّيَتْ»

الجامع الصحيح المختصر؛ اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي الوفاة:
256، دار النشر: دار ابن كثير ، اليمامة - بيروت - 1407 - 1987، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د.
مصطفى ديب البغا، ج 3، ص 1126، ح 2926

:9

«قال رسول الله (صلى الله عليه وسلم) لفاطمة إن الله يغضب لغضبك ويرضى لرضاك»

المستدرک علی الصحیحین؛ اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاكم النيسابوري الوفاة:
405 هـ دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت - 1411 هـ - 1990م، الطبعة: الأولى، تحقيق:
مصطفى عبد القادر عطا، ج 3، ص 167، ح 4730 (براساس نرم افزار الجامع الكبير)

اينها در يك طرف و در طرف ديگر:

(لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ)

با قومي كه خداوند آنان را مورد غضب قرار داده دوستي نكنيد

سوره ممتحنه (60): آيه 13

(إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُهِينًا)

آنها که خدا و پیامبرش را آزار می‌دهند، خداوند آنان را از رحمت خود در دنیا و آخرت دور ساخته، و برای آنها عذاب خوارکننده‌ای آماده کرده است.

سوره احزاب (33): آیه 57

اینها عامل بیداری خیلی از جوان‌های اهل سنت خواهد شد که حداقل بروند نسبت به مذهب‌شان تحقیق و بررسی کنند و از این حالت تقلید دست بردارند البته ما باید مراقب باشیم سب و لعن به هیچ وجه نکنیم.

سب و لعن قطعاً فتنه‌انگیز است و باعث تفرقه و اختلاف می‌شود. چه بسا باعث قتل شیعه بشود که آیت‌الله العظمی «بهجت» یک تعبیری دارند که اگر شما در عید الزهرا به مقدسات اهل سنت توهین کنید و در آن طرف دنیا خون یک شیعه ریخته شود، شما قطعاً مسئول هستید.

لذا ما باید مقداری دقت کنیم که خدای نکرده باعث نشویم که مشکلاتی به وسیله بعضی از «وهابی‌ها» یا سنی‌های افراطی درست شود و زمینه قتل شیعه را فراهم کند.

پرسش:

آیا اهل سنت در جلسات خود قائل به وجوب کشتن شیعه هستند؟

پاسخ:

این‌طور نیست که اهل سنت در جلسات‌شان بگویند کشتن شیعه واجب است.

این عبارت قطعاً خلاف واقع است، شاید «وهابی‌ها» چنین عقیده‌ای داشته باشند یا بعضی از اهل سنت افراطی، ولی عموم اهل سنت این‌طور نیستند.

پرسش:

درباره فیلمی که در «انگلیس» ساخته شده طبق کتب عامه، نظر جنابعالی چیست؟

پاسخ:

این فیلمی که ساخته شده این‌طور نیست که طبق کتب عامه باشد نه، اینها شاید از کتاب‌های عامه چیزهای استفاده کرده باشند؛ ولی عمدتاً از منابع شیعه روایات صحیح و ضعیف را به هم ریختند و یک داستانی درست کرده‌اند، البته تکه‌هایی از این فیلم پخش شده و هنوز اکران هم نشده؛ ولی مشخص است که هدف از این فیلم، ایجاد تفرقه میان شیعه و سنی است و دارند زمینه را برای قتل شیعه فراهم می‌کنند.

آقایان مراجع فتوا دادند ساختن فیلم حرام است، کمک کردن به این فیلم حرام است، تماشا کردن این فیلم حرام است. این‌ها چیزهایی بود که آقایان مراجع رسماً اعلام کردند و ما باید یک مقداری دقت کنیم. قطعاً این فیلم پخش بشود فردا در «شبکه‌های وهابی» تکه‌هایی از این فیلم را پخش می‌کنند و شروع می‌کنند علیه شیعه مانور دادن، سنی‌ها را بر ضد شیعه شوراندن، در آن هیچ شک و شبهه ای نیست، این «تشیع انگلیسی» به تعبیر رهبری تا شیعه و سنی را به جان هم نیاندازند از پای نخواهند نشست.

آغاز بحث...

بحث‌مان در رابطه با «فدک» بود، به شبهه ای که «ابن کثیر دمشقی» اشاره کرده بود رسیدیم. عزیزان دقت کنند که اینها با فضائل اهل‌بیت چه می‌کنند!

ما صحت سند را بررسی کردیم و گفتیم اگرچه نسبت به «عطیه عوفی» تضعیفاتی وارد کرده اند ولی توثیقاتی هم دارد لذا روایتش «مختلف فیه» می‌شود.

حتی نسبت به «عطیه عوفی» در یک جا «البانی» تصحیح می‌کند روایتی را که عطیه در سندش قرار دارد و جاهای دیگر می‌گوید ضعیف است و ایشان مدلس است و تدلیس خبیث دارد.

این‌طور برخورد کردن با روایات و روات، منافقانه است و این صحیح نیست. «ذهبی» به «ابن خراش» که خودش درباره اش دارد:

«الحافظ البارع الناقد»

می گوید:

«فاما أنت أيها الحافظ البارع الذي شربت بولك، فأنت زنديق معاند للحق، فلا رضى الله عنك، مات

بن خراش إلى غير رحمة الله»

تذكرة الحفاظ؛ اسم المؤلف: أبو عبد الله شمس الدين محمد الذهبي الوفاة: 748، دار النشر: دار

الكتب العلمية - بيروت، الطبعة: الأولى، ج 2، ص 684

به خاطر ردّ قضیه‌ی «ما تركناه صدقه».

یا حدیث:

«حَبِيبُكَ حَبِيبِي، وَحَبِيبِي حَبِيبُ اللَّهِ، وَعَدُوُّكَ عَدُوِّي، وَعَدُوِّي عَدُوُّ اللَّهِ»

«مستدرک حاکم نیشابوری» این روایت را می‌آورد و می‌گوید این روایت:

«صحيح على شرط الشيخين»

المستدرک على الصحيحين، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاكم النيسابوري، دار

النشر: دار الكتب العلمية - بيروت - 1411هـ - 1990م، الطبعة: الأولى، تحقيق: مصطفى عبد القادر

عطا؛ ج 3، ص 138، ح 4640

«ذهبی» هم می‌گوید رواتش همه ثقه هستند ولی روایت، مضمونش منکر است، اینکه مضمونش منکر

است، چرا؟ چون «عَدُوُّكَ عَدُوِّي، وَعَدُوِّي عَدُوُّ اللَّهِ»؛ قطعاً نمی‌تواند قداست و شأن کسانی را که با حضرت

جنگیدند، حفظ کند لذا می‌گوید «والحدیث منکر»!

یا در کتاب «میزان الاعتدال» این روایت را مطرح می‌کند و می‌گوید:

«يشهد القلب انه باطل»

قلب من شهادت می‌دهد که این روایت باطل است.

میزان الاعتدال في نقد الرجال؛ اسم المؤلف: شمس الدين محمد بن أحمد الذهبي الوفاة: 748، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت - 1995، الطبعة: الأولى، تحقيق: الشيخ علي محمد معوض والشيخ عادل أحمد عبدالموجود، ج 1، ص 213

وگرنه از نظر سند هیچ مشکلی ندارد. کاملاً مشخص است که نسبت به احادیث مربوط به اهل بیت با تمام توان به میدان می‌آیند و به شکلی تضعیف می‌کنند؛ ولی از آن طرف وقتی به مطالبی که به نفع خودشان است می‌رسند حاضر نیستند حقیقت را بگویند.

اشکال دیگری مطرح می‌کنند که چرا رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) «فدک» را به زهرای مرضیه بخشید؟ بهتر نبود پیغمبر این را به تمام مسلمانان می‌بخشیدند؟

در اینجا ما چند تا جواب داده‌ایم عزیزان باید دقت کنند: اولاً پیامبر اکرم، تابع وحی است آنچه که از خدای عالم وحی می‌شود او عمل می‌کند:

(اتَّبِعْ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ)

از آنچه که از سوی پروردگارت بر تو وحی شده، پیروی کن!

سوره انعام (6): آیه 106

یا:

(قُلْ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أُبَدِّلَهُ مِنْ تَلَقَاءِ نَفْسِي قُلْ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أُبَدِّلَهُ مِنْ تَلَقَاءِ نَفْسِي إِنْ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابٌ يَوْمٍ عَظِيمٍ)

بگو: «من حق ندارم که از پیش خود آن را تغییر دهم؛ فقط از چیزی که بر من وحی می‌شود، پیروی می‌کنم! من اگر پروردگارم را نافرمانی کنم، از مجازات روز بزرگ (قیامت) می‌ترسم!»

سوره یونس (10): آیه 15

من از پیش خودم نمی‌توانم چیزی را عوض کنم . اینکه پیغمبر پشت درهای بسته از پیش خودشان تصمیم بگیرند، این‌طور نیست.

لذا رسول اکرم می‌فرماید من چیزی را از پیش خودم نمی‌توانم تغییر بدهم: **(إِنْ أَتَّبِعْ إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ)**

(وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ، إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ)

و هرگز از روی هوای نفس سخن نمی‌گویند! آنچه می‌گویند چیزی جز وحی که بر او نازل شده نیست!

سوره نجم (53): آیات 3 و 4

این یک نکته.

نکته دیگر اینکه کسانی که در این‌طور قضایا اعتراض می‌کنند که چرا رسول اکرم «فدک» را به فاطمه زهرا داد؟ مثلاً چرا به دیگر فرزندانش نداد یا به دیگر صحابه نداد، این اعتراض در حقیقت صفت منافقان است. در «صحیح بخاری» است که رسول اکرم در «حنین» غنائم جنگی را اختصاص داد به تعدادی از افرادی که تازه مسلمان شده بودند. همراه «معاویه» و «ابو سفیان» مسلمان شده بودند.

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: لَمَّا كَانَ يَوْمَ حُنَيْنٍ، آتَرَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنْاسًا فِي الْقِسْمَةِ، فَأَعْطَى الْأَقْرَعَ بْنَ حَابِسٍ مِائَةً مِنَ الْإِبِلِ، وَأَعْطَى عُيَيْنَةَ مِثْلَ ذَلِكَ، وَأَعْطَى أَنْاسًا مِنْ أَشْرَافِ الْعَرَبِ فَاتَّزَهُمْ يَوْمَئِذٍ فِي الْقِسْمَةِ، قَالَ رَجُلٌ: وَاللَّهِ إِنَّ هَذِهِ الْقِسْمَةَ مَا عُدِلَ فِيهَا، وَمَا أُرِيدَ بِهَا وَجْهَ اللَّهِ، فَقُلْتُ: وَاللَّهِ لَأُخْبِرَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَاتَّيْتُهُ، فَأَخْبَرْتُهُ، فَقَالَ: «فَمَنْ يَعْدِلُ إِذَا لَمْ يَعْدِلِ اللَّهُ وَرَسُولُهُ، رَحِمَ اللَّهُ مُوسَىٰ قَدْ أُوذِيَ بِأَكْثَرٍ مِنْ هَذَا فَصَبَرَ»

شخصی که ظاهراً ذو الخویصره است، اعتراض می‌کند و می‌گوید: والله اینجا عدالت اجرا نشد. خبر به حضرت رسید، فرمودند:

اگر خدا و پیغمبر عدالت را رعایت نکنند چه کسی می‌خواهد عدالت را رعایت کند؟

الكتاب: الجامع المسند الصحيح المختصر من أمور رسول الله صلى الله عليه وسلم وسننه وأيامه = صحيح البخاري

المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي- المحقق: محمد زهير بن ناصر الناصر- الناشر: دار طوق النجاة (مصورة عن السلطانية بإضافة ترقيم محمد فؤاد عبد الباقي). ج 4 ، ص 95

این نشان می‌دهد که پیغمبر در تمام افعالش معصوم بوده .

یا در رابطه با «بنو نضیر»، آنها هم بدون قتال با پیامبر مصالحه و جلاء وطن نمودند. لذا آن اموال خالص برای پیغمبر بوده (فیء). پیغمبر اکرم هم فقط بین مهاجرین تقسیم فرمود.

« مِنْ الْأَنْصَارِ مِنْهَا شَيْئًا، إِلَّا سَهْلَ بْنَ حُنَيْفٍ وَسِمَاكَ بْنَ خَرَشَةَ أَبَا دُجَانَةَ فَإِنَّهُمَا كَانَا مُحْتَاجَيْنِ فَأَعْطَاهُمَا »

این اموال را فقط در میان «مهاجرین» تقسیم کرد الا دو نفر از انصار(لذا بقیه «انصار» بهره ای نداشتند)

الكتاب: شرح السير الكبير- المؤلف: محمد بن أحمد بن أبي سهل شمس الأئمة السرخسي (المتوفى: 483هـ)- الناشر: الشركة الشرقية للإعلانات. ج 1، ص 609

اختیار با خود پیغمبر است که بخواهد این اموال را به چه کسی بدهند. (مهم این است که عقیده داریم ایشان از مسیر وحی و عدالت لحظه‌ای خارج نمی‌شدند)، لذا آن اعتراضات نشان می‌دهد که اینها از حقیقت اسلام و ایمان، خیلی بهره‌ای ندارند. قرآن می‌گوید

(إِنْ أَتَّبِعْ إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ)

فقط از چیزی که بر من وحی می‌شود، پیروی می‌کنم!

سوره یونس (10): آیه 15

آنچه که به من وحی می‌شود به آن عمل می‌کنم. همین تعبیر را «قرطبی»، «بغوی»، «ابو داود سجستانی»، «ابن کثیر دمشقی» همه دارند.

پیغمبر اکرم، اموال «بنی نضیر» که مثل «فدک» مصالحه شده بود و لذا فیء بود را در اختیار «مهاجرین» قرار داد، «فدک» را هم به حضرت زهرا (سلام الله علیها) بخشید.

«ابن شُبه نُمیری» متوفای 262 - در زمان غیبت صغری- است، در کتاب «تاریخ مدینه منوره» جلد 1، وقتی که مسئله «فدک» را مطرح می‌کند، می‌گوید:

«إن أبا بكر رضي الله عنه انتزع من فاطمة رضي الله عنها فدك»

تاریخ المدينة المنورة؛ اسم المؤلف: أبو زيد عمر بن شبة النميري البصري الوفاة: 262 هـ دار النشر:

دار الكتب العلمية - بيروت - 1417 هـ- 1996 م، تحقیق: علی محمد دندل و یاسین سعد الدین بیان،

ج 1، ص 124

ابوبکر، «فدک» را -«انتزع»- به زور تصرف کرد. این هم مشخص می‌کند که «فدک» در اختیار حضرت زهرا بوده که «انتزع من فاطمة» می‌گوید. نمی‌شود که «فدک» از بیت المال عمومی مسلمین بوده باشد و بعد ایشان بگوید: «انتزع من فاطمة»!

«فدک» یکی از مباحث اساسی است و باید به خوبی زوایای قضایا بررسی شود که «فدک» ملک شخصی پیغمبر بوده به حضرت زهرا بخشیده و اینها به زور از دست حضرت زهرا گرفتند و تصرف کردند، اینها چیزهایی است که در منابع اهل سنت کاملاً وجود دارد و غیر قابل انکار است.

همه عزیزان را به خدای منان می‌سپاریم و ان شاء الله در ایام فاطمیه عزیزان همه را دعا کنند، حضرت ولی‌عصر را دعا کنند، ما را هم ان شاء الله دعا کنند .

«والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته»